

حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه‌کننده

در اختیار دادستان (از الگوی ساده دیوان عالی ایالات متحده

تا تکامل مقید در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی)*

□ جواد صالحی^۱

چکیده

حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه‌کننده در اختیار دادستان از بایسته‌های دادرسی عادلانه است. بر این اساس، دادستان قبل از شروع محاکمه، مکلف به افشای دلایل تبرئه‌کننده در اختیار خویش به متهم است. برای اولین بار، الگوی دیوان عالی ایالات متحده حاکی از شناسایی این حق و اهمیت آن است تا حدی که عدم افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم از سوی دادستان، منجر به صدور حکم تبرئه وی می‌شود. اما در سطح بین‌المللی، جمع‌آوری و افشای این دلایل در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تا حدی مجاز است که مانع از همکاری منابع اطلاعاتی این دلایل با دادستان نشود. از این منظر، حفظ محرمانگی منابع دلایل در مرحله اول، و حق آگاهی متهم از این دلایل در مرتبه دوم قرار می‌گیرند. لیکن این وضعیت در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی تا حد زیادی ارتقا یافته است. دادستان ملزم به افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم است،

ولو اینکه تعهدات متناقض دیگری را در این زمینه پذیرفته باشد. بر این اساس، تعهدات ثانوی چیزی از مسئولیت دادستان در افشای دلایل تبرئه کننده به متهم نمی‌کاهد.

واژگان کلیدی: دیوان عالی ایالات متحده، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دیوان کیفری بین‌المللی، حق آگاهی متهم، دلایل تبرئه کننده، دادرسی عادلانه.

مقدمه

معیارهای دادرسی عادلانه در راستای ضمانت رعایت حقوق دفاعی متهم باعث می‌شود که وی در زمان تشکیل پرونده در دادگاه، در موقعیتی قرار نگیرد که از حقوق طبیعی خود محروم شود. حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه کننده در اختیار دادستان، یکی از ابعاد مترقی دادرسی عادلانه است که در پرتو اصل حاکمیت قانون به عنوان «زیربنای ایجاد نظام حقوقی سازمان یافته و پیش شرط تحقق شاخص‌های حقوق بشر» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵) محقق می‌شود. از این منظر، تحقق الزامات دادرسی عادلانه در «گرو وضع قوانینی است که حدود و اختیارات مجریان آن‌ها را به نحو مقتضی مشخص کند» (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۷۹) تا «تعامل دستگاه عدالت کیفری با مردم» (موسی‌زاده و صالحی، ۱۳۸۸: ش ۱۰۹/۴) شکل گیرد.

به موجب اصل برابری سلاح‌ها لازم است که میان او و دادستان موازنه اطلاعاتی نسبت به دلایل موجود له یا علیه متهم برقرار شود. ضروری است که دلایل در اختیار دادستان و مطرح در پرونده به اطلاع متهم برسد تا اینکه متهم در مقام دفاع از خود، در موضع نابرابر و ضعیف‌تر از دادستان قرار نگیرد؛ چرا که متهم پس از دستگیری، از امکاناتی برخوردار نیست که بتواند به دلایل تبرئه کننده یا تخفیف‌دهنده جرم خود دسترسی داشته باشد. این وضعیت نابرابر باعث می‌شود که متهم تاب مقاومت در برابر دادستان را نداشته باشد. دادستان با برخورداری از امکانات و قدرت قانونی، به مراتب از این حیث در موضعی قوی‌تر از متهم قرار دارد.

وضعیت دادستان در جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم، یکی از ابعاد نابرابری است. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که «دادستان‌ها گرایش به جمع‌آوری دلایلی دارند که فرض وجود دلیل تبرئه کننده اتهامات متهم را از بین ببرد» (Burke, 2010: 79-83).

الگوی دیوان عالی ایالات متحده در ارائه اولین تجربه الزام دادستان به افشای دلایل تبرئه کننده به متهم، حاکی از هیچ قیدوبندی نیست. بر این اساس، دادستان بدون هیچ محدودیتی مکلف به افشای دلایل به متهم است، وگرنه محکومیت متهم به دلیل عدم برخورداری وی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه نقض می‌شود. لیکن در سطح بین‌المللی، رویه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (زین پس دادگاه یوگسلاوی) حاکی از تأیید رفتار دادستان در اولویت جمع‌آوری دلایل علیه متهم نسبت به دلایل له متهم است. دادستان دادگاه یوگسلاوی بیشتر اقداماتی را ترجیح می‌دهد که برای اثبات جرم متهم مؤثر است. طبیعی است که از این منظر، دادستان در پیش بردن پرونده، نیازی به دلایل تبرئه کننده یا تخفیف‌دهنده جرم ندارد. در دادگاه یوگسلاوی بر فرض که دلایلی تبرئه کننده در اختیار دادستان قرار گرفته باشد، دادستان با رعایت محرمانگی در مرتبه اول و سپس رعایت حقوق دفاعی متهم، مجاز به افشای دلایل است. قطعاً این اولویت بندی بر اساس حفظ محرمانگی منبع دلایل، به ضرر متهم و منجر به عدم افشای دلایل به وی می‌شود. لیکن مقررات دیوان کیفری بین‌المللی (زین پس دیوان یا دیوان کیفری) تلاش کرده است این نقیصه را برطرف سازد تا اینکه دادستان فارغ از هر نوع اولویت بندی مکلف باشد که اولاً در مرحله تحقیقات به نحو یکسان به جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم بپردازد و ثانیاً قبل از مرحله تأیید اتهام، آن‌ها را در اختیار متهم قرار دهد.

این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال‌هاست که آیا افشای دلایل تبرئه کننده در اختیار دادستان، لازمه تحقق دادرسی عادلانه است؟ آیا دیگر تعهدات متناقض دادستان، مانع از افشای دلایل تبرئه کننده به متهم است؟ فرض بر این است که افشای دلایل تبرئه کننده در اختیار دادستان، لازمه تحقق دادرسی عادلانه است و دیگر تعهدات دادستان ولو متناقض با این تعهد، مانع از تکلیف افشای دلایل تبرئه کننده به متهم نیست. از این رو محقق بر آن است که در این چارچوب، به تشریح و تحلیل ماهیت و ضرورت حق آگاهی متهم از دلایل در اختیار دادستان، در سطح داخلی با الهام از الگوی دیوان عالی ایالات متحده تا سطح بین‌المللی در دادگاه یوگسلاوی و تکامل آن در اساسنامه ژم (زین پس اساسنامه) و قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی

(زین پس آیین دادرسی) پردازد تا در پرتو آن فرضیه‌های مطرح اثبات یا رد شوند. بر این اساس، در این پژوهش ابتدا به «حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه کننده در اختیار دادستان؛ جلوه‌ای از حقوق دفاعی وی» و سپس به تشریح سیر تحولات «از پرونده بریدی در دیوان عالی ایالات متحده تا الگوی دادگاه یوگسلاوی» و آنگاه به مطالعه «تکامل افشای دلایل تبرئه کننده در اساسنامه و آیین دادرسی؛ از چالش‌ها تا راه حل‌ها» و در نهایت به نتیجه گیری پرداخته می شود تا نقیصه‌ها و نوآوری‌های هر یک مشخص شوند.

۱. حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه کننده در اختیار دادستان؛

جلوه‌ای از حقوق دفاعی وی

حق آگاهی از دلایل زائل کننده اتهام، یکی از ابعاد حقوق دفاعی متهم است. مؤلفه‌های حقوق دفاعی اجازه می دهد که متهم با برخورداری از امکانات قانونی در جدال با اتهامات به دفاع از خود پردازد. حقوق دفاعی متهم، متضمن معیارهایی قانونی و قضایی است که در سطوح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی یک «نظام قضایی عدالت محور» (صالحی، ۱۳۸۹: ش ۱۰۸/۱۷) و در سرتاسر یک رسیدگی کیفری و با هدف «اتخاذ تصمیمی عادلانه» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۴) منظور شده است. این حق دارای ویژگی «جهان شمولی، ذاتی و غیر قابل سلب» است (سیدقاری فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۶۷/۱). انسان به خاطر کرامت ذاتی از برخی «حق‌های بنیادین برخوردار است که در اسناد بین‌المللی بازتاب یافته‌اند» (راسخ، ۱۳۸۵: ش ۵/۴۲). از این منظر «حقوق دفاعی متهم در چارچوب دادرسی عادلانه‌ای قرار می گیرد» (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ش ۱۱۹/۵۷-۵۶) که مبتنی بر «اصل برابری سلاح‌ها» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۸) و متأثر از «الگوی جهانی باشد» (یاوری، ۱۳۸۳: ش ۲۵۳/۲). این الگوی جهانی که بر پایه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، بر پایه ترافی کردن دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی تا پایان دادرسی، دادن امکانات برابر به کلیه طرف‌های درگیر در پرونده و تحقق معیارهای نظام اتهامی است. بر همین اساس، مقررات دیوان کیفری نیز با گرایش به الزامات نظام اتهامی و بر پایه همین الگو تنظیم شده‌اند.

اعلام رسمی عمل مجرمانه از سوی مقام قضایی به متهم باید به شیوه‌ای قابل درک برای متهم باشد. صرف ذکر عنوان مجرمانه کفایت نمی‌کند، «بلکه باید موضوع جرم با صراحت تفهیم شود» (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱۱۲/۶). لازمه دفاع متهم در دفع یا رد اتهام منتسب به وی، «آگاهی از موضوع اتهام و دلایل موجد آن است» (آشوری، ۱۳۸۲: ۸۷). ضرورت تفهیم اتهام مستلزم آن است که «مواد قانونی ناظر بر اتهام و مستندات آن نیز اعلام شود» (آشوری و بهمنی قاجار، ۱۳۸۷: ش ۹/۳) تا اینکه «جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام، موجب خدشه به اصل براءت نشود» (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۵: ش ۹/۴). اصل براءت، «میراث مشترک نظام‌های حقوقی ملل مترقی است» (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۳۵/۲). حاکمیت فرض براءت از ابتدا تا اختتام دعوی «لازم‌الاتباع» (خزائی، اردبیلی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ش ۴۶۸/۱۷-۱۶) و موجد تکلیف مقام قضایی به «ارائه دلیل علیه متهم، تفسیر شک به نفع متهم، تفسیر مضیق قوانین جزایی و حق سکوت وی است» (صالحی، ۱۳۸۸: ش ۶۹/۳). رعایت این اصول تا حدی است که هر گونه خدشه به آن «می‌تواند منجر به بطلان تحقیقات علیه متهم باشد» (اردبیلی، ۱۳۸۵: ش ۱۳۵/۴۳)؛ چرا که اهمیت تأمین منافع متهم، کمتر از تأمین منافع جامعه نیست. بنابراین دفاع از منافع جامعه نباید «مستمسکی برای نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم باشد» (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۱/۱).

استناد به دلایل اتهام‌زننده به افراد، زمانی معتبر است که مخاطب آن‌ها نیز از امکانات برابر در دفاع از خود برخوردار باشد. اگرچه تردیدی نیست که محاکمه افراد بدون اطلاع از دلایل زمینه‌ساز آن در پرتو حاکمیت دادرسی عادلانه ممکن نیست، لیکن بحث بر سر این است که دادستان در زمان جمع‌آوری دلایل علیه متهم با مستنداتی مواجه می‌شود که به نفع متهم و زائل‌کننده اتهامات وی است. حق متهم نسبت به این دلایل تبرئه‌کننده در اختیار دادستان چیست؟ آیا حق متهم در برخورداری از معیارهای دادرسی عادلانه، دربرگیرنده حق افشای این دلایل تبرئه‌کننده به وی نیز می‌باشد؟ دادستان در محاکمات کیفری بین‌المللی به تفکیک موظف به افشای دلایل که و علیه متهم است.^۱ اما تشخیص ماهیت دلایل تبرئه‌کننده بر عهده چه کسی است؟

1. Prosecutor v. Brđanin and Talić, Decision, Case No. IT-99-36-T, 30 October 2002, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/brdanin/tord/en/020215.pdf>>, Para. 30.

پاسخ این است که دادستان، مرجع تشخیص دلایل تبرئه‌کننده است. قضات محاکم بین‌المللی هیچ دخالتی در این تشخیص دادستان ندارند، مگر اینکه ثابت شود دادستان از مسئولیت خود سوءاستفاده کرده است.^۱ در تعیین دلایل تبرئه‌کننده و ضرورت افشای آن هیچ محدودیتی برای دادستان وجود ندارد.^۲ در حالی که دادستان باید از قبل و به منظور تأمین معیارهای دادرسی عادلانه مشخص نماید که در مرحله محاکمه متهم، قصد افشای کدام دلایل را به عنوان دلایل تبرئه‌کننده به وی دارد.^۳ اگر دادستان در این مرحله دلایل جمع‌آوری شده له و علیه متهم را اعلام نکند، این تکلیف بر عهده قضات رسیدگی‌کننده به پرونده قرار می‌گیرد که به تفکیک دلایل تبرئه‌کننده از دلایل متهم‌کننده پردازند و به دادستان دستور دهند که دلایل تبرئه‌کننده را نیز در اختیار متهم قرار دهد.

الزام دادستان به افشای دلایل، دادستان را به کم‌ارزش تلقی کردن یا چشم‌پوشی از دلایلی منتهی کرده است که مؤید مجرمیت متهم نیست و چه بسا متهم را از اتهامات مطرح‌رها می‌سازد. این وضعیت در حالی است که دادسرا تحقیقات لازم در پرونده را تکمیل کرده است و «بدون توجه به دیگر دلایل، مجرمیت متهم برای وی احراز شده است» (Yaroshefsky, 2010: 343). این دلایل ثانوی در قلمرو دلایل تبرئه‌کننده متهم قرار می‌گیرند که اتفاقاً باید توسط دادستان جمع‌آوری شوند و سپس در اختیار متهم قرار گیرند. ولی دادستان‌های محاکم کیفری بین‌المللی کمتر به انجام تعهد خویش بر جمع‌آوری و افشای دلایل تبرئه‌کننده تمایل دارند. ذهنیت آن‌ها بر وقوع جرایم ارجاع‌داده‌شده به دیوان کیفری بین‌المللی از سوی دولت‌های عضو یا شورای امنیت

1. Prosecutor v. Kvočka et al., Decision, Case No. IT-98-30/1-A, 22 March 2004, Available at: <<http://www.icty.org/case/kvočka/4>>, Para. 3.
2. Prosecutor v. Krstić, Judgement, Case No. IT-98-33-A, 19 April 2004, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/krs-aj040419e.pdf>>, Para. 190.
3. Prosecutor v. Mrkšić et al., Order Setting a Time-Limit for Disclosure Pursuant to Rule 66(A)(ii), Case No. IT-95-13/1-PT, T. Ch. II, 24 November 2004, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/mrksic/regdec/en/041215e.htm>>, Para. 3; Prosecutor v. Krajišnik, Decision, Case No. IT-00-39 & 40-PT, 19 July 2001, Available at: <<http://www.icty.org/case/krajišnik/4>>, Para. 2.

سازمان ملل به طور قاطع شکل گرفته است. از این منظر، کسانی که در مراجع کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار می‌گیرند، از متهمان به جرایمی هستند که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی است و لذا نباید کاری به نفع آن‌ها انجام شود. این وضعیت، دادستان را تحت فشار قرار می‌دهد که «اقدامات جدی را در محکومیت یا مسئول شناختن عوامل آن دنبال کند» (Robinson, 2008: 929) و از جمع‌آوری دلایل به نفع متهم یا افشای آن‌ها به وی در مرحله محاکمه خودداری کند.

دادستان از اختیاراتی برخوردار است که متهم و وکیل مدافع وی از آن برخوردار نیستند. در عین حال دادستان «برای جلوگیری از تبریته متهم، خود را موظف به جمع‌آوری و افشای دلایل تبریته کننده به وی نمی‌داند» (Burke, 2006: 11). در حالی که این نگرش باید اصلاح شود؛ «چرا که صلاحیت دادستان در رابطه با تحت تعقیب قرار دادن چه کسی و به چه اتهامی گسترده است» (Vorenberg, 1981: 11). دادستان از «خدمات ضابطان قضایی در تحقیقات در رابطه با پرونده‌های مد نظر و جمع‌آوری دلایل آن‌ها برخوردار است» (Zacharias, 1991: 11). این امکانات گسترده، متهم و وکیل مدافع وی را در «موضع ضعیف‌تری برای تدارک دفاع از اتهامات مطرح قرار می‌دهد» (Green, 1999: 11). در نهایت، این وضعیت منجر به نابرابری زیادی میان متهم و دادستان در پیشبرد پرونده و در نهایت مغلوب شدن متهم در برابر دستگاه عدالت کیفری می‌شود. حال آنکه هدف از تشکیلات دستگاه عدالت کیفری، محکوم کردن افرادی است که محاکمه آن‌ها برابر قانون و در چارچوب معیارهای دادرسی عادلانه صورت گرفته باشد، وگرنه دیگر چه نیازی به محاکمه و طی کردن مراحل آن می‌بود؟

۲. از پرونده بریدی در دیوان عالی ایالات متحده تا الگوی دادگاه یوگسلاوی

تعهد به افشای دلایل تبریته کننده برای اولین بار در پرونده بریدی^۱ علیه ماریلند^۲ از سوی

1. Brady.

2. Maryland.

دیوان عالی ایالات متحده به رسمیت شناخته شد.^۱ قضات دیوان عالی در این پرونده تصریح کردند که خودداری دادستان از افشای دلایل به نفع متهم می‌تواند منجر به نقض رأی محکومیت وی شود.^۲ دیوان عالی ایالات متحده تلاش کرد با این رویه از تحقق معیارهای دادرسی عادلانه در حق متهم اطمینان حاصل نماید. با اتکا به «قاعده بریدی»^۳ قضات خواستند که بریدی از افشای دلایلی برخوردار باشد که او را از محکومیت یا مجازات تبرئه می‌کند. این رویه باعث شد که تعهد دادستان حتی به دلایل جمع‌آوری شده توسط ضابطان قضایی تسری یابد. دادستان موظف است که «آگاهی‌های لازم نسبت به دلایل در اختیار ضابطان قضایی را کسب نماید».^۴ براساس این رویه در سال ۱۹۹۷ کمیته‌ای از اعضای کانون وکلای آمریکا تشکیل شد. مسئولیت این کمیته، بررسی و ارائه پیشنهادهایی جهت تغییر در محتویات قانون نمونه رفتار حرفه‌ای دادستان (۱۹۸۳) بود. قاعده ۳/۸ این قانون تحت عنوان «مسئولیت خاص دادستان» مورد بررسی این کمیته قرار گرفت. اعضای این کمیته پیشنهاد دادند که مسئولیت دادستان به افشای دلایل به نفع متهم گسترش یابد. بر اساس بند d ماده ۳/۸ این قانون، باید «کلیه اسناد و اطلاعات مشخص شده برای دادستان که منجر به محکومیت یا تبرئه متهم می‌شود، در اختیار متهم قرار گیرد».

۱. بریدی و همدست وی با نام بابلیت (Boblit) به اتهام سرقت خودرو و قتل در سال ۱۹۵۹ در دادگاه‌های ایالات متحده تحت تعقیب قرار گرفتند. متهمان در بازجویی‌های متعدد مرحله تحقیقات مقدماتی، اظهارات متناقضی را مطرح کردند تا اینکه بابلیت در بازجویی مرتبه پنجم، اقرار به قتل و نفی اتهام قتل از بریدی کرد. وکیل بریدی قبل از شروع محاکمه، دریافت رونوشت اقرار متهمان در مرحله مقدماتی را از دادستان تقاضا کرد. بر این اساس، دادستان رونوشت کلیه بازجویی‌ها به جز رونوشت آخرین اقرار بابلیت را در اختیار وکیل بریدی قرار داد. محاکمه متهمان، منتهی به صدور حکم اعدام برای آن‌ها به اتهام شراکت در قتل عمدی شد. لیکن بعدها با آشکار شدن صورتجلسه آخرین اقرار بابلیت، از این رأی فرجام‌خواهی شد. با استدلال نقض الزامات دادرسی عادلانه در برخورداری بریدی از دلایل تبرئه‌کننده از اتهامات، حکم اعدام وی نقض و مجوز محاکمه مجدد وی صادر و در نهایت وی از سوی دیوان عالی ایالات متحده با استدلال نقض مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق بریدی تبرئه شد.

2. Brady v. Maryland, 373 U.S. 83, Case No. 490, 13 May 1963, Available at: <<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/373/83/case.html>>.

3. Brady Principle.

4. Brady v. Maryland, Op. cit.

این دو اتفاق، نویدبخش تکلیف دادستان به افشای توأمان دلایل له و علیه متهم بودند. لیکن این تکلیف «فاقد ضمانت اجرا بود» (Weeks, 1997: 878). قضات دیوان عالی در پرونده بریدی، هیچ ابزار مسئولیت‌آوری برای تحت فشار قرار دادن دادستان در اختیار نداشتند. قاعده بریدی از این لحاظ دارای خلأ بود. قانون نمونه رفتار حرفه‌ای دادستان نیز متکی بر ضمانت اجرای اخلاقی بود. دادستان‌ها تا مدت‌ها بعد هیچ ترسی از تحت تعقیب قرار گرفتن برای خودداری از افشای دلایل نداشتند، تا اینکه این خلأ در دادگاه بین‌المللی حقوق بشر و دادگاه یوگسلاوی تا حدودی برطرف شد؛ چرا که افشای دلایل به وکیل مدافع، عنصر اصلی دادرسی عادلانه است تا جایی که دیگر ملاحظات را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این افشا توأم با حق دسترسی متهم به محتویات پرونده است و این پرونده شامل «کلیه اطلاعات مدنظر قاضی تحقیق اعم از دلایل تیرئه کننده یا محکوم کننده متهم می‌باشد» (Ambos, 2009: 556).

افشای دلایل تیرئه کننده به وکیل مدافع، از مهم‌ترین اصول حقوقی مصرح در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۱(۱)) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۴(۱)) است.^۱ افشای دلایل تیرئه کننده در دادگاه یوگسلاوی نیز «همسو با استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی» (Swoboda, 2008: 449) پذیرفته

۱. دیوان بین‌المللی حقوق بشر نیز به این تعهد پایبند است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده جسرز علیه بلژیک (Jespers v. Belgium, Commission Decision, Case No. 8403/78, 15 October 1980, Available at: <<http://ms.gov.pl/pl/orzeczenia-etpcz/download,192,1.html>>, p. 61) اعلام کرده است که تعهد به افشای دلایل مفید به حال متهم، ناشی از اصل برابری سلاح‌هاست. از این منظر، محاکمه‌ای عادلانه است که دادستان قبل از شروع محاکمه، به افشای دلایل تیرئه کننده به متهم پرداخته باشد. اگر این افشا در تعارض با منافع دیگر است، دادستان باید این دلایل را در اختیار دادگاه قرار دهد (Rowe and Davis v. United Kingdom, Judgment, Case No. 28901/95, 16 February 2000, Available at: <<http://www.law.qub.ac.uk/schools/SchoolofLaw/Research/ResearchProjects/PublicInterestinUKCourts/FileStore/Fileupload,212028,en.pdf>>). تا قضات دادگاه به بررسی این موضوع پردازند که با عدم افشای دلایل، چه حقی از متهم نقض می‌شود. اگرچه قضات در این تصمیم‌گیری با هیچ محدودیتی مواجه نیستند، اما رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که این دادگاه هنوز هیچ توجیه قانونی را برای عدم افشای دلایل به وکیل متهم به بهانه حمایت از حقوق اساسی افراد دیگر یا منافع عمومی نپذیرفته است. (Chahal v. the UK, Judgment, Case No. 27052/95, 15 November 1996, in: Eckes, Christina, *EU Counter-Terrorist Policies and Fundamental Rights: The Case of Individual Sanctions*, Oxford University Press, 2009, p.325).

شده است.^۱ دادگاه یوگسلاوی در برخی از پرونده‌ها، اولویت را بر افشای دلایل به متهم قائل شده است.^۲ دادستان وظایف گسترده‌ای در رابطه با افشای دلایل به متهم بر عهده گرفته است. اصل برابری سلاح‌ها حکم می‌کند که دادستان به افشای دلایل تبرئه‌کننده در اختیار خود، صرف‌نظر از منبع آن پردازد. دادستان باید قبل از تأیید اتهامات، از افشای دلایل به متهم اطمینان کسب کرده باشد. در صورتی که در این مرحله، کلیه دلایل تبرئه‌کننده به متهم افشا نشده باشد، دادستان موظف است که فهرستی از دلایل تبرئه‌کننده و متهم‌کننده را در دادگاه ارائه نماید. تهیه این فهرست به همراه مستندات آن باید قبل از شروع جلسه تأیید اتهامات باشد.^۳

دادستان نسبت به متهم به استناد ماده ۶۶(a)(i) آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی موظف است که ظرف ۳۰ روز از اولین حضور متهم در دادگاه، رونوشت مستندات کیفرخواست را در اختیار متهم قرار دهد. علاوه بر این، دادستان به موجب ماده ۶۶(a)(ii) آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی سابق، موظف است که ظرف مهلت ۶۰ روز قبل از شروع محاکمه، اظهارات کلیه شهود را افشا نماید. دادگاه یوگسلاوی در پرونده دادستان علیه کوردیک و دیگران^۴ اظهار داشته است: «تعهد به ارائه اظهارات شهود به موجب ماده ۶۶(a)(ii) آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی به منظور کمک به وکیل مدافع در فهم موضوعات پرونده علیه متهم است» (Knoops, 2007: 159) تا اینکه حقوق موکل وی محفوظ بماند (Cryer, 2010: 381-382).

دادستان در تحقیقات باید دلایل تبرئه‌کننده را جمع‌آوری و در زمان مناسب به وکیل مدافع افشا کند. دادستان متعهد است که به موجب ماده ۶۸(i) آیین دادرسی دادگاه

1. Prosecutor v. Brdanin and Talic, Public Version of the Confidential Decision on the Alleged Illegality of Rule 70, Case No. IT-99-36-T, 23 May 2002, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/brdanin/tord/en/020215.pdf>>, Para. 19.
2. Prosecutor v. Milosevic, Order, Case No. IT-02-54-T, 30 November 2004, Available at: <http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp50-e/milosevic.htm>.
3. Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Decision, Case No. ICC 01/04-01/07, 20 June 2008, Available at: <http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/cases/Pages/cases%20index.aspx>, Para. 123.
4. Kordic, et al.

یوگسلاوی به محض فراهم شدن امکانات، «هر دلیل مؤید بی‌گناهی یا تخفیف‌دهنده در مجرمیت متهم» را به وکیل مدافع افشا نماید. دادستان باید هر نوع مانع احتمالی ناشی از محرمانگی دلایل مذکور به موجب ماده (b) ۷۰ آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی را برطرف سازد و رضایت مخبران آن دلایل را جلب نماید یا اینکه موضوع عدم رضایت مخبران را با وکیل مدافع و قضات در میان بگذارد. دادستان یکی از اطراف دعوی نیست، بلکه او یکی از ارکان دستگاه عدالت کیفری بین‌المللی است که نباید فقط به دنبال محکومیت متهم باشد، بلکه او باید تمام جوانب پرونده اعم از دلایل تبرئه کننده را در محضر دادگاه ارائه کند تا اینکه شعبه را در کشف حقیقت و تصمیم‌گیری درست کمک کرده باشد.

رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی نشان می‌دهد که دلایل تبرئه کننده باید به همان صورت جمع‌آوری شده و بی‌کم‌وکاست در اختیار وکیل مدافع قرار گیرند. دادستان ملزم است که اظهارات شهود را نیز به همان طریق ثبت شده در اختیار وکیل مدافع قرار دهد. اخذ اظهارات شهود ولو بدون رعایت اصول و ضوابط ویرایش و نگارش صورتجلسه‌ها نیز از مسئولیت دادستان در افشای محتویات آن‌ها به وکیل مدافع چیزی نمی‌گاهد.^۱ افشای اظهارات شهود در اختیار دادستان صرف‌نظر از شکل و منبع آن ضروری است. اگر دلایل تبرئه کننده در میان اظهاراتی اضافی شهود وجود داشته باشد، لازم است که آن اظهارات نیز به طور کامل به وکیل مدافع افشا شود. ارائه اطلاعات خلاصه شده تنها زمانی موجه است که «... به اندازه کافی مرتبط، قابل فهم و قابل استفاده باشند و خارج از موضوع نباشند».^۲

دادستان باید به آن دسته از اطلاعات تبرئه کننده‌ای استناد کند که به اندازه کافی قابل اعتمادند. اگر اخباری مبنی بر تأیید صحت دلایل موجود در اختیار دادستان وجود

1. Prosecutor v. Niyitegeka, Appeal Judgement, Case No. ICTR-96-14-A, 9 July 2004, Available at: <https://www1.umn.edu/humanrts/instree/ICTR/NIYITEGEKA_ICTR-96-14/NIYITEGEKA_ICTR-96-14-T.html>, Para. 35.

2. Prosecutor v. Sesay et al., Decision, Case No. SCSL-04-15-T, 9 July 2004, Available at: <https://www.unodc.org/tldb/pdf/International_Jurisprudence/Adhoc_Tribunals/SCSL_Sesay_Kallon_Gbao_Appeal_Judgement.pdf>, Para. 34.

دارند، این اخبار نیز باید در اختیار متهم قرار گیرند. تا زمانی که دلایل تبرئه‌کننده به‌طور واقعی در دسترس وکیل مدافع قرار نگیرد، توسل به احتمال قابل دسترسی بودن این دلایل با تلاش وکیل مدافع، چیزی از مسئولیت دادستان نمی‌کاهد.^۱ تنها در صورتی که دلایل تبرئه‌کننده برای وکیل مدافع شناخته‌شده و قابل دسترسی باشند، مسئولیت دادستان در الزام به افشای آن‌ها منتفی است.^۲ اگر دادستان دلایلی در اختیار داشته باشد که حاکی از موثق نبودن برخی از اخبار استنادی است، این دسته از دلایل نیز باید در اختیار متهم قرار گیرند.^۳

زمانی که دادستان در معرض دو انتخاب «افشای دلایل به متهم» یا «حفظ محرمانگی منبع دلیل» قرار می‌گیرد، باید به یکی از آن‌ها اولویت دهد. دادگاه یوگسلاوی به صراحت اعلام کرده است که در برخی موارد، افشای دلایل به هیچ وجه عملی نیست.^۴ در این شرایط، قضات دادگاه یوگسلاوی نمی‌خواهند که دادستان افشای دلایل را بر حفظ محرمانگی منبع آن‌ها اولویت دهد. دادستان پس از درگیری‌های کوزوو اطلاعات نظامی و محرمانه‌ای را از کشورهای عضو ناتو کسب کرد، مشروط بر اینکه این اطلاعات و منبع آن‌ها را به وکیل مدافع و قضات افشا نکند.^۵ اما تیم وکلای مدافع متهم درخواست افشای دلایل را نمودند. قضات دادگاه یوگسلاوی نیز با تکیه بر اصل افشای دلایل، با این درخواست موافقت کردند. ولی از آنجایی که این تصمیم موجب نگرانی قطع احتمالی همکاری کشورهای عضو ناتو در

1. Prosecutor v. Blaškić, Judgement, Case No. IT-95-14-A, App. Ch., 29 July 2004, Available at: <<http://www.icty.org/case/blaskic/4>>, Para. 296.
2. Prosecutor v. Brđanin, Decision, Case No. IT- 99-36-A, 7 December 2004, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/brdanin/tord/en/020215.pdf>>, Para. 4.
3. Prosecutor v. Blaškić, Decision, Case No. IT-95-14T, 30 January 1998, Available at: <<http://www.icty.org/case/blaskic/4>>, Para. 15.
4. Prosecutor v. Blaskic, Judgment, Case No. IT-95-14-A, ICTY, 29 July 2004, Available at: <<http://www.icty.org/case/blaskic/4>>, Para. 266.
5. Prosecutor v. Milutinovic et al., Decision, Case No. IT-05-87-AR108bis.2, 12 May 2006, Available at: <http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp45-e/milutinovic.htm>, Para. 46.

ارائه دلایل به دادگاه بود، قضات دادگاه یوگسلاوی در سال ۲۰۰۴، مواد ۶۸ و ۷۰ آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی را اصلاح کردند تا حفظ محرمانگی منبع دلایل به موجب این اصلاحات، بر افشای دلایل تبرئه کننده ارجحیت داشته باشد و ادامه همکاری کشورهای عضو ناتو با دادگاه را تحت الشعاع قرار ندهد. به این ترتیب به نظر می‌رسد دادگاه یوگسلاوی حفظ محرمانگی دلایل را در اولویت اول و رعایت حقوق متهم در برخورداری از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه را در مرتبه دوم قرار داده است.

۳. تکامل افشای دلایل تبرئه کننده در اساسنامه و آیین دادرسی؛

از چالش‌ها تا راه حل‌ها

ماده (i) ۵۴ اساسنامه به وظایف دادستان در مرحله تحقیق می‌پردازد. اولین وظیفه دادستان در مرحله تحقیق، کشف حقیقت است. به موجب این وظیفه، دادستان باید تحقیقات را تا آنجا ادامه دهد که کلیه وقایع مرتبط با موضوع پرونده و شرایط تخفیف دهنده و تشدید کننده جرم را به نحو یکسان شامل شود. از این منظر دادستان نه فقط طرف دعوی قرار می‌گیرد، بلکه باید نقشی بی‌طرفانه را در دستگاه عدالت بازی کند. لذا دادستان دیوان کیفری از دادستان دادگاه موقت متفاوت است؛ چرا که دادستان دادگاه موقت بیشتر یک طرف دعوی تلقی می‌شد. دادستان دیوان کیفری ملزم به تحقیق در زمینه دلایل تبرئه کننده یا تخفیف دهنده جرم است، در حالی که دادستان دادگاه موقت فقط ملزم به افشای دلایل تبرئه کننده اتفافی و نه تحقیق مخصوص در این زمینه است (Wouters et al., 2009: 378). در رابطه با کشف دلایل تبرئه کننده، وظایفی برای دادستان دیوان کیفری مشخص شده است که این وظایف در طول تحقیقات بیشتر هم می‌شود. شناسایی این وظیفه در راستای تکامل بخشیدن به تجربه دادگاه‌های موقت در این زمینه است؛ چرا که متهم در جمع‌آوری دلایل تبرئه کننده اتهام خویش به دلیل عدم همکاری مقامات رسمی دولت متبوع ناتو است.

در این راستا، ماده (۱) ۶۷ اساسنامه تصریح کرده است که متهم باید قبل از محاکمه، از ماهیت، سبب و محتوای اتهام فوراً و با جزئیات مطلع شود و وقت کافی و امکانات

لازم برای تدارک دفاع و ارتباط با وکیل مدافع داشته باشد. لیکن این امر میسر نیست، مگر اینکه متهم قبلاً از دلایل جمع‌آوری شده علیه خود مطلع شده باشد تا بتواند در مقام اثبات بی‌گناهی خود یا دریافت تخفیف در مجازات یا بی‌اعتباری دلایل دادستان، به دلایل دیگری استناد کند که اتفاقاً آن‌ها نیز در اختیار دادستان هستند و ماهیت تبرئه‌کنندگی یا تخفیف‌دهندگی در اتهامات وی دارند (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: فاخری و صالحی، ۱۳۹۳: ش ۱۸۷/۵۱).

دادستان بر اساس ماده ۷۷ آیین دادرسی باید به درخواست متهم، اجازه دسترسی وی را به اسناد و مدارکی بدهد که در اختیار یا کنترل او و مرتبط با اتهامات متهم است یا اینکه او قصد دارد در دادگاه به آن‌ها استناد کند. تشریفات دسترسی متهم به این اسناد و مدارک، موضوع ماده ۸۱ آیین دادرسی است.^۱ اگر دلایل درخواست شده از سوی متهم در جلسات محاکمه قابل دسترسی باشند،^۲ رسیدگی به درخواست متهم منتفی است.^۳ از این حیث ضروری است که دادستان در همه اوقات نسبت به تعهد خود بر افشای دلایل تلاش نماید. او باید در طول زمان و به صورت تدریجی به افشای مداوم مدارک پردازد تا اینکه دسترسی مؤثر بر منابع برای متهم میسر باشد. در این روند نباید فقط اجرای عدالت مدنظر دادستان باشد.

افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم به دو صورت قابل تقسیم است: اول اینکه دادستان به تشخیص خود دلایل تبرئه‌کننده را در میان دلایل جمع‌آوری شده شناسایی و به متهم افشا کند. دوم اینکه متهم اجازه درخواست افشای دلایل بیشتر را داشته باشد. تقسیم‌بندی دوم از عبارت ماده ۸۴ آیین دادرسی قابل استنباط است که «شعبه بدوی باید دستورات لازم را برای افشای اسناد یا اطلاعات قبلاً افشانشده یا ارائه مدارک

1. Prosecutor v. Rutaganda, Decision, Case No. ICTR-96-3-A, 12 December 2002, Available at: <https://www1.umn.edu/RUTAGANDA/RUTAGANDA_ICT-96-3-T.htm>.
2. Prosecutor v. Musema, Decision, Case No. ICTR-96-13-A, 18 May 2001, Available at: <<http://sim.law.uu.nl/sim/caselaw/tribunalen.nsf/ae8b14e4f811c6b7c12571b5003803bb/1039fa23d8a29b8ac12571fe004fa37a>>.
3. Prosecutor v. Rutaganda, Decision, Case No. ICTR-96-3-A, 28 June 2002, Available at: <https://www1.umn.edu/RUTAGANDA/RUTAGANDA_ICT-96-3-T.htm>, Para. 3.

اضافی صادر کند). شعبه بدوی ابتدائاً در این مسئله دخالت نمی‌کند، مگر اینکه ذی‌نفع آن درخواستی را ارائه کرده باشد. در برخی موارد ممکن است دادستان کلیه دلایل در اختیار یا کنترل را افشا نکند و دیوان هم از آن بی‌اطلاع باشد و متهم از طرق مختلف از این وضعیت مطلع شود و نسبت به آن اعتراض نماید تا دیوان اقدامات لازم را برای رفع آن انجام دهد.

این مسئله در رویه قضایی دیوان، مسبوق به سابقه است. دادستان در پرونده توماس لوبانگا دیالو (زین پس لوبانگا) دلایل تبرئه‌کننده افشانشده به متهم را به دو گروه تقسیم می‌کند: الف) دلایل تبرئه‌کننده‌ای که بر تصمیم دیوان نسبت به مجرمیت یا بی‌گناهی متهم تأثیر ندارد؛ ب) دلایل تبرئه‌کننده‌ای که ممکن است تأثیر داشته باشد.

از نظر دادستان، دلایل تبرئه‌کننده دسته اول شامل دلایلی است که نشان می‌دهد: ۱. کودک‌سربازان داوطلبانه به گروه‌های مسلحانه پیوسته‌اند یا از طرف اولیای خود فرستاده شده‌اند؛ ۲. کودک‌سربازان توسط گروه‌های نظامی لِنْدو^۱ یا دیگر گروه‌های نظامی به خدمت گرفته شده‌اند؛ ۳. لوبانگا اعمال خیرخواهانه‌ای در حق کودک‌سربازان داشته است؛ ۴. فعالیت‌هایی با ماهیت سیاسی با هدف آرام کردن اوضاع در منطقه ایتوری^۲ از سوی گروه‌های نظامی تحت امر لوبانگا صورت گرفته است.

دلایل تبرئه‌کننده دسته دوم که ممکن است بر تصمیم دیوان بر مجرمیت یا بی‌گناهی متهم تأثیرگذار باشد، شامل دلایلی است که نشان می‌دهد: ۱. لوبانگا بیماری روانی داشته است؛ ۲. لوبانگا بر اثر اختلالات روانی بر رفتار خود کنترل نداشته است؛ ۳. لوبانگا غیر قانونی بودن رفتارهای خود را تشخیص نداده است؛ ۴. لوبانگا تحت فشار و اکراه بوده است؛ ۵. برخی از رفتارهای لوبانگا به منظور دفاع از خود بوده است؛ ۶. او تلاش‌های زیادی برای مرخص کردن کودک‌سربازان انجام داده است؛ ۷. افرادی که جرائمی را مرتکب شده‌اند که از اتهامات لوبانگا تلقی شده است، تحت فرمان او نبوده‌اند؛ ۸. گروه‌های نظامی، تحت کنترل اوگاندا، رواندا و دیگر

1. Lendu.

2. Itori.

کشورها بوده‌اند.^۱

لیکن لوبانگا با اطمینان اعلام می‌کند که در هر دو گروه از دلایل تبرئه‌کننده اظهار شده از سوی دادستان، دلایل تبرئه‌کننده افشانشده دیگری وجود دارد که دارای ماهیت تبرئه‌کنندگی هستند و دادستان باید نسبت به افشای آن‌ها اقدام نماید. این وضعیت که دادستان را در مقامی قرار می‌دهد که از افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم خودداری کند، بر مشروعیت دادرسی تأثیر منفی می‌گذارد. دیوان برای حفظ تعادل میان حقوق متهم مبنی بر برخورداری از دادرسی عادلانه در مقابل واقعیت ضرورت اتکای دادستان به اطلاعات جمع‌آوری شده به طور محرمانه، واکنش نشان می‌دهد. از این رو دیوان به منظور رعایت جوانب موضوع به دادستان دستور داد که کلیه دلایل تبرئه‌کننده افشانشده را جهت بررسی در اختیار دیوان قرار دهد.^۲ دادستان در واکنش به دستور دیوان اظهار می‌دارد که نمی‌تواند دستور دیوان را اجرا کند؛ چرا که شروط قراردادهای محرمانه وی با مخبران، او را از این کار بازمی‌دارد. دادستان اذعان می‌کند که قادر به اجرای این دستور دیوان نیست، ولی به عنوان جایگزین می‌تواند اسناد را برای بازنگری در اختیار دیوان قرار دهد، مشروط به اینکه دیوان بپذیرد که دلایل تبرئه‌کننده را بدون رضایت پرسنل سازمان ملل افشا نسازد.^۳ دیوان این شرط را می‌پذیرد. با وجود این، برخی از پرسنل سازمان ملل متحد با بازنگری دیوان در اسناد مخالفت می‌کنند، ولو اینکه دیوان محدودیت عدم افشا را پذیرفته باشد. لیکن برخی دیگر از پرسنل سازمان ملل به ارائه خلاصه اطلاعات به دیوان رضایت می‌دهند که این رضایت مشروط به حذف نشانه‌هایی از این خلاصه اطلاعات است که ممکن است منجر به

1. Prosecutor v. Lubanga, Prosecution Submission on Undisclosed Documents Containing Potentially Exculpatory Information, Case No. ICC-01/04-01/06-1248, 28 March 2008, Para. 15.
2. Prosecutor v. Lubanga, Order on the Prosecution's Submission on Undisclosed Documents Containing Potentially Exculpatory Information, Case No. ICC-01/04-01/06-1259, 3 April 2008, Para. 3.
3. Prosecutor v. Lubanga, Defendant's Response to the "Prosecution's Submissions on Undisclosed Documents Containing Potentially Exculpatory Information", Case No. ICC-01/04-01/06, 22 April 2008.

شناسایی آن‌ها گردد.^۱

متهم در قبال این موضع‌گیری پرسنل سازمان ملل اعلام می‌کند که دیوان باید دلایل تبرئه‌کننده مرتبط را بازنگری کند، ولو اینکه این رویه منجر به کشف دلایلی علیه وی شود.^۲ متهم از دیوان تقاضا می‌کند که دلایل تبرئه‌کننده و قراردادهای محرمانه را مورد بررسی قرار دهد تا مشخص شود که این قراردادها تا چه میزان ضرورت و توجیه داشته‌اند. لوبانگو با این تقاضا به دنبال این هدف است که دیوان در نهایت بتواند قراردادهای محرمانه‌ای را که بر حقوق وی به موجب ماده (۲) ۶۴ و ماده ۷۷ قانون آیین دادرسی تأثیر منفی گذاشته است، باطل اعلام نماید.

لیکن وضعیت همیشه بدین نحو نیست؛ چرا که ممکن است دادستان بنا به تشخیص خود قائل به تبرئه‌کنندگی برخی از دلایل در اختیار یا کنترل خود نباشد و اقدام به افشای آن دلایل ننماید. در این شرایط دادستان به موجب ماده (۲) ۶۷ اساسنامه و ماده ۸۳ آیین دادرسی باید درخواست تشکیل جلسه یک‌جانبه‌ای را از شعبه رسیدگی کننده بنماید تا اینکه تکلیف در این زمینه مشخص شود. لیکن این رویه دارای اشکالات عملی است: نخست اینکه در جایی که دادستان قائل به ماهیت تبرئه‌کنندگی دلایل نیست و از افشای آن‌ها خودداری کرده است، چه کسی دیوان را متوجه تشخیص نادرست دادستان نماید، در حالی که از ماهیت دلایل در اختیار دادستان مطلع نیست؟ دوم اینکه در جلسه یک‌جانبه که متهم یا وکیل مدافع وی حق شرکت در آن را ندارند، چه تضمینی وجود دارد که دادستان کلیه دلایل در اختیار یا کنترل خود را مطرح کند؟ سوم اینکه در جلسه یک‌جانبه، غیر از قضات و دادستان چه فرد ذی‌نفع دیگری وجود دارد که در ماهیت تبرئه‌کنندگی دلایل، به طرح تفاسیر مخالف با نظر دادستان و قضات

1. Prosecutor v. Lubanga, Prosecution's Updated Information on Documents That Were Obtained by the Office of the Prosecutor from the United Nations Pursuant to Article 54(3)(e) on the Condition of Confidentiality and Solely for the Purpose of Generating New Evidence and That Potentially Contain Evidence That Falls Under Article 67(2), Case No. ICC-01/04-01/06-1387-Conf, 10 June 2008.
2. Prosecutor v. Lubanga, Prosecution's Application for Authorization to Disclose and Rely on Incriminating Evidence for Which Article 54(3)(e) Restrictions Have Been Lifted, Case No. ICC-01/04-01/06-1129-Conf, 24 January 2008, Paras. 44-48.

پپردازد که ممکن است اتفاقاً این تفاسیر منطبق با واقعیت باشند؟

این اشکالات از اینجا نشئت می‌گیرند که صلاحیت تشخیص و به تبع آن افشای دلایل تبرئه‌کننده یا خودداری از افشای آن بر عهده دادستان قرار گرفته است. به صرف ذیل ماده (۲) ۶۷ اساسنامه مبنی بر اینکه «در صورت تردید... تصمیم‌گیری با دیوان خواهد بود» و همین‌طور ماده ۸۳ آیین دادرسی که «دادستان می‌تواند... در اسرع وقت درخواست جلسه یک‌جانبه‌ای را از شعبه رسیدگی کننده بنماید»، نمی‌توان تضمین کرد که دلایل در اختیار یا کنترل دادستان به‌طور کامل شناسایی شوند و دلایل تبرئه‌کننده آن حقیقتاً به متهم افشا شوند. در چنین وضعیتی فقط می‌توان به حق متهم در ارائه درخواست‌های خود به دیوان اکتفا کرد که در صورت محمول بر صحت بودن قابل رسیدگی هستند (May & Wierda, 2007: 77). اما اصل ادعا با اشکال مواجه است؛ چرا که متهم باید چیزی را اثبات کند که در اختیار او نیست. دلایل مورد ادعا در اختیار یا کنترل دادستان است و دادستان به تشخیص خود، آن‌ها را گزینش و افشا می‌کند. دلایل افشاشده که مورد اعتراض نیستند و دلایل افشانشده هم که قابل شناسایی نیستند تا اینکه مورد اعتراض قرار گیرند به اینکه چرا دادستان قائل به تبرئه‌کنندگی آن‌ها نیست؟ یا اینکه چرا دادستان قائل به تردید در ماهیت آن‌ها و متقاضی تشکیل جلسه یک‌جانبه نیست؟

نتیجه چنین وضعیتی، ما را به سوی انحصارگرایی دادستان در کنترل گرفتن دلایل رهنمون می‌سازد. افشای این دلایل ممکن است به براءت متهم از اتهامات منجر شود. اما دادستان قائل به تبرئه‌کنندگی آن‌ها نیست و آن‌ها را افشا نمی‌کند. دادستان در تبرئه‌کنندگی آن‌ها نیز تردید ندارد و متقاضی تشکیل جلسه برای تعیین تکلیف دیوان در این زمینه هم نمی‌باشد. در عین حال دادستان این دلایل را مثبت جرم هم نمی‌داند که بخواهد فهرستی از آن‌ها را جهت اخذ مجوزهای لازم برای جلب یا احضار متهم در اختیار دیوان قرار دهد. این وضعیت موقعیت متهم را به خطر می‌اندازد.

تحت این شرایط اطلاعات و دلایل جمع‌آوری شده توسط دادستان از ماهیت محرمانه برخوردار می‌شوند. دادستان به صورت گزینشی فقط به افشای آن دسته از دلایل می‌پردازد که برای اثبات اتهام به آن‌ها نیاز دارد (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک:

صالحی، ۱۳۹۳: ش ۱۸). این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که متهم در رعایت استانداردهای لازم جهت اثبات ادعایش مبنی بر وجود دلایل تبرئه کننده در اختیار یا کنترل دادستان چقدر در موضع ضعیف‌تری قرار دارد. دادستان از افشای این دلایل به وی خودداری کرده است و متهم نیز بنا به موقعیت خود از هیچ طریق دیگری به آن‌ها دسترسی ندارد.

با وجود این، صراحت ماده (۱) ۸۲ آیین دادرسی از معیارهای دادرسی عادلانه حمایت می‌کند. دادستان باید دلایل مستند را به موجب ماده (۳) ۵۴(ع) اساسنامه در اختیار وکیل مدافع قرار دهد، وگرنه حق استناد به آن‌ها را در جلسه محاکمه از دست می‌دهد. دادستان با برخورد به دلایل تبرئه کننده احتمالی موظف است که اقدامات لازم را برای مذاکره با مخبران آن به منظور رفع محدودیت در افشای به متهم مذکور دنبال کند (ر.ک: همو، ۱۳۹۴: ش ۶۸/۱۱). گاهی اوقات برای جمع‌آوری دلایل، از جانب دادستان قراردادهایی محرمانه با سازمان‌ها یا اشخاص دیگر تنظیم می‌شود که زمینه را برای افشای این دلایل محرمانه از بین می‌برد. این سازوکار همیشه فرصت برابر را در اختیار دادستان و وکیل مدافع قرار نمی‌دهد. مسئله این است که دادستان همیشه در این موضع‌گیری موفق نمی‌شود؛ چرا که پذیرش یا عدم پذیرش رفع محدودیت از سوی مخبران (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: همو، ۱۳۹۵: ش ۱۰۵) از اختیاراتی است که به موجب قراردادهای محرمانه به مخبران داده شده است و الزاماً پاسخ آن‌ها به درخواست دادستان برای افشای دلایل مثبت نیست. با این همه، این وضعیت از مسئولیت دادستان در افشای دلایل تبرئه کننده به متهم چیزی نمی‌کاهد.

ناتوانی دادستان از افشای دلایل تبرئه کننده به لحاظ قرارداد محرمانه، دادستان را در معرض قصور از افشا و تبعات ناشی از آن قرار می‌دهد. این وضعیت از مسئولیت دادستان به خاطر قصور از کسب دلایل تبرئه کننده جدید یا متناسب ساختن آن با دلایل تبرئه کننده مستند جمع‌آوری شده از طریق مخبران آن نمی‌کاهد. در عین حال که مقررات اساسنامه، مسئولیت نهایی در تأمین عدالت و انصاف در حق متهم را به دیوان واگذار کرده است، این مسئولیت قابل واگذاری به غیر یا قابل سلب از دیوان نیست. برای اطمینان از برخورداری متهم از دادرسی منصفانه، لازم است که دستورات دیوان

مطابق با مقررات اساسنامه مورد احترام واقع شود (صالحی و دیگران، ۱۳۹۵: ش ۱۶۳/۹۶). دادستان در این چارچوب مکلف به تبعیت می‌باشد، بی‌آنکه حق اعتراض و سرپیچی برای وی وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تعهد دادستان بر افشای دلایل تبرئه‌کننده، از لوازم حقوق دفاعی متهم و برخورداری وی از معیارهای دادرسی عادلانه است. متهم از امکانات در اختیار دادستان محروم است و به همین دلیل پس از دستگیری تا حد زیادی از آزادی عمل در جمع‌آوری دلایل تبرئه‌کننده و یا تخفیف‌دهنده اتهامات خود برخوردار نیست. از این رو این وظیفه بر عهده دادستان قرار گرفته است که به صورت توأمان به افشای دلایل له و علیه متهم بپردازد. با وجود این، دادستان به جمع‌آوری و افشای دلایل علیه متهم اکتفا می‌کند و از جمع‌آوری و افشای دلایل تبرئه‌کننده خودداری می‌کند. دادستان با این اقدام، مؤلفه‌های دادرسی عادلانه را در حق متهم مخدوش می‌کند. در حالی که حق آگاهی از دلایل در اختیار دادستان، جلوه‌ای از دادرسی عادلانه است که در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در پی جبران موضع ضعف متهم در دستگاه عدالت کیفری بین‌المللی است. عدالت کیفری بین‌المللی خواستار ارتقای موضع متهم تا آن حدی است که بتواند به دفاع از خود بپردازد. کاستی در تأمین این معیار، موجب مخدوش شدن سلامت محاکمه متهم است.

برای اولین بار رویکرد دیوان عالی ایالات متحده، حاکی از پذیرش افشای دلایل تبرئه‌کننده است تا حدی که عدم رعایت آن از سوی دادستان، منجر به صدور حکم تبرئه متهم است؛ به دلیل اینکه مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق وی نقض شده است. این روند در عرصه محاکمات کیفری بین‌المللی به طور مقید تسری و تکامل یافته است. دادستان دادگاه یوگسلاوی متعهد شده است که برای کشف حقیقت به جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم بپردازد تا متهم تحت این شرایط بتواند با در اختیار گرفتن دلایل تبرئه‌کننده جمع‌آوری شده توسط دادستان به دفاع از خود در برابر اتهامات

مطرح پردازد. لیکن رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی نشان می‌دهد که این تکلیف با محدودیت‌هایی همراه شده است. هدف محدودیت در افشای اطلاعات محرمانه، تشویق دولت‌ها، سازمان‌ها و اشخاص حقیقی برای همکاری با دیوان در ارائه اطلاعات است. زمینه این نوع همکاری بر پایه محرمانگی و تضمین حمایت از منابع اطلاعاتی است. اما این مسئله نباید به بهای نادیده گرفتن حقوق متهم در برخورداری از معیارهای دادرسی عادلانه باشد. به تشخیص دادستان می‌توان افشای دلایل در یک زمان مناسب را انتظار داشت به نحوی که ماهیت دلایل محرمانه و منبع اطلاعاتی آن شناسایی نشوند. قضات نیز در این میان می‌توانند حداقل واسطه بی‌طرفی میان دادستان و متهم باشند تا اینکه حقوق متهم و نیز محرمانگی منبع این اطلاعات با افشای محدود برخی از آن‌ها رعایت شود.

مقررات دیوان کیفری اگرچه تلاش کرده است گام‌های مثبتی به سمت افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم بردارد، در حذف قیود رویه دادگاه یوگسلاوی در افشای دلایل به متهم، با چالش‌های جدی مواجه شده است. دادستان در قراردادهای محرمانه موضوع ماده ۵۴ اساسنامه، شروطی را پذیرفته است که با دیگر تعهدات وی در لزوم افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم به موجب ماده (۲) ۶۷ اساسنامه در تعارض است. در چنین وضعیتی، دو تکلیف شامل حفظ محرمانگی دلایل مخبران و لزوم افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم در مقابل هم قرار می‌گیرند. این وضعیت مشکلاتی را برای دادستان، دیوان و متهم ایجاد می‌کند؛ اولاً دادستان نمی‌تواند به طور همزمان به این تکلیف جامه عمل بپوشاند و در عین حال نمی‌تواند به یکی از آن‌ها اولویت دهد. ثانیاً دیوان نیز نمی‌تواند از رعایت مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق متهم صرف‌نظر کند، در حالی که تحقق آن در گرو افشای دلایل تبرئه‌کننده به متهم است. ثالثاً متهم نمی‌تواند خود را برای دفاع از اتهامات آماده کند، چرا که پس از دستگیری، از فرصت و امکانات جمع‌آوری و ارائه دلایل به نفع خود محروم است. لذا تنها چاره این است که دیوان نقش نظارتی خود را در این باره حفظ کند. قضات رسیدگی‌کننده به پرونده از ظرفیت‌های ماده (۲) ۶۷ اساسنامه و مواد ۸۳ و (۱) ۸۲ آیین دادرسی در الزام دادستان به ارائه دلایل و برگزاری جلسه بررسی دلایل در اختیار دادستان بهره‌برداری کنند، چرا

که دیگر تعهدات دادستان در حفظ محرمانگی دلایل جمع‌آوری شده برای پیشبرد پرونده در دیوان کیفری، مانع از افشای دلایل به متهم نیست. از این رو قضات دیوان تلاش می‌کنند تا دادستان را در چنین شرایطی مجاب به افشای دلایل تبرئه‌کننده ولو به صورت مختصر یا با حذف نام و نشان مخبران آن نمایند. این روند بی‌تردید از دامنه دلایل تبرئه‌کننده افشانشده به متهم می‌کاهد و در شکل‌گیری ذهنیت قضات در بی‌گناهی متهم یا استحقاق وی در برخورداری از تخفیف در مجازات تأثیر مثبت می‌گذارد.

کتاب‌شناسی

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری (دادسرا و کیفرخواست)*، چاپ هفتم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۲. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ پانزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۸ ش.
۳. همو، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۵ ش.
۴. همو، *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، تهران، گرایش، ۱۳۸۲ ش.
۵. همو، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران، گرایش، ۱۳۸۳ ش.
۶. همو، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
۷. آشوری، محمد و محمدعلی بهمنی قاجار، «رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
۸. اردبیلی، محمدعلی، «تفہیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۳، ۱۳۸۵ ش.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر و محمد توحیدی فر، *قانون‌مداری در حقوق کیفری*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. خزائی، منوچهر، محمدعلی اردبیلی و علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، «گزارش پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا»، *تحقیقات حقوقی*، شماره‌های ۱۶-۱۷، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. راسخ، محمد، «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۲، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. سیدقاری فاطمی، محمد، *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. صالحی، جواد، «ارجاع وضعیت کنیا به دیوان کیفری: جلوه‌ای از اختیارات دادستان در ماده ۱۵ اساسنامه»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، شماره ۱۸، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. همو، «تحلیلی بر عملکرد شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو»، *تعالی حقوق*، شماره ۱۱، ۱۳۹۴ ش.
۱۵. همو، «حمایت از امنیت مخبرین در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی؛ استثنایی بر جرم علیه عدالت کیفری یا سوءرفتار نزد دیوان»، *حقوق تطبیقی*، شماره ۱۰۵، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. همو، «سکوت؛ جلوه‌ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه»، *مطالعات حقوقی*، شماره ۳، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. همو، «مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱۷، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. صالحی، جواد، نریمان فاخری، حسین آل کججاف و مجتبی بابایی، «ترجیح حقوق متهم بر میانجی در دیوان بین‌المللی کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۹۶، ۱۳۹۵ ش.
۱۹. فاخری، نریمان و جواد صالحی، «رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی در اصلاح اتهامات لویانگو: از هماهنگی تا تعارض میان آیین‌نامه دیوان با اساسنامه ژم»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۱، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. فرح‌بخش، مرتضی، «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره‌های ۵۶-۵۷، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «تضمین حقوق متهم»، *خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان*، شماره ۴، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. موسی‌زاده، رضا و جواد صالحی، «حمایت از امنیت متهم در پرتو اصول دادرسی عادلانه»، *فصلنامه حقوق و مصلحت*، شماره ۴، ۱۳۸۸ ش.

۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «به دنبال عدالت کیفری کرامت‌مدار»، ویژه‌نامه همایش قوه قضاییه و حقوق شهروندی، ۱۳۸۶ ش.
۲۴. یآوری، اسدالله، «حق برخورداری از دادرسی عادلانه و آیین دادرسی نوین»، مجله حقوق اساسی، شماره ۲، ۱۳۸۳ ش.
25. Ambos, Kai, "Confidential Investigations (Article 54(3)(e) ICC Statute) vs. Disclosure Obligations: the Lubanga Case and National Law", *New Criminal Law Review*, No. 12, Issue. 4, 2009.
26. Burke, Alafair S., "Improving Prosecutorial Decision Making: Some Lessons of Cognitive Science", *Women & Marrying Law Review*, No. 47, 2006.
27. Burke, Alafair S., "Prosecutorial Agnosticism", *Ohio State Journal of Criminal Law*, No. 8, 2010.
28. Cryer, Robert, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, 2nd Ed., Cambridge University Press, 2010.
29. Green, Bruce A., "Why Should Prosecutors 'Seek Justice'?", *Fordham Urban Law Journal*, No. 26, 1999.
30. Knoop, Geert-Jan Alexander, *Theory and Practice of International and Internationalized Criminal Proceedings*, The Hague, Kluwer Law International, 2007.
31. May, Richard & Marieke Wierda, *International Criminal Evidence*, New York, Transnational Publishers, Ardsley, 2007.
32. Robinson, Darryl, "The Identity Crisis of International Criminal Law", *Leiden Journal of International Law*, No. 21, 2008.
33. Swoboda, Sabine, "The ICC Disclosure Regime - A Defence Perspective", *Criminal Law Forum*, No. 19, 2008.
34. Vorenberg, James, "Decent Restraint of Prosecutorial Power", *Harvard Law Review*, No. 94, 1981.
35. Weeks, Joseph R., "No Wrong Without a Remedy: The Effective Enforcement of the Duty of Prosecutors to Disclose Exculpatory Evidence", *Oklahoma City University Law Review*, No. 22, 1997.
36. Wouters, Jan et al., "The International Criminal Court's Office of the Prosecutor: Navigating between Independence and Accountability?", in: Jose Doria et al. (eds.), *The Legal Regime of the International Criminal Court : Essays in Honour of Professor Igor Pavlovich Blishchenko*, Netherlands, Koninklijke Brill N.V., 2009.
37. Yaroshefsky, Ellen, "Enhancing the Justice Mission in the Exercise of Prosecutorial Discretion", *Temple Political & Civil Rights Law Review*, No. 19, 2010.
38. Zacharias, Fred C., "Structuring the Ethics of Prosecutorial Trial Practice: Can Prosecutors Do Justice?", *Vanderbilt Law Review*, No. 44, 1991.

Cases:

39. *Jespers v. Belgium*, Commission Decision, Case No. 8403/78, 15 October 1980, Available at: <<http://ms.gov.pl/pl/orzeczenia-etpcz/download,192,1.html>>.
40. *Prosecutor v. Blaškić*, Judgement, Case No. IT-95-14-A, App. Ch., 29 July 2004, Available at: <<http://www.icty.org/case/blaskic/4>>.
41. *Prosecutor v. Blaskic*, Judgment, Case No. IT-95-14-A, ICTY, 29 July 2004, Available at: <<http://www.icty.org/case/blaskic/4>>.
42. *Prosecutor v. Brđanin and Talić*, Decision, Case No. IT-99-36-T, 30 October 2002, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/brdanin/tord/en/020215.pdf>>.
43. *Prosecutor v. Lubanga*, Defendant's Response to the "Prosecution's Submissions on Undisclosed Documents Containing Potentially Exculpatory Information", Case No. ICC-01/04-01/06, 22 April 2008.
44. *Prosecutor v. Brđanin and Talić*, Public Version of the Confidential Decision on the Alleged Illegality of Rule 70, Case No. IT-99-36-T, 23 May 2002, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/brdanin/tord/en/020215.pdf>>.
45. *Prosecutor v. Lubanga*, Order on the Prosecution's Submission on Undisclosed Documents Containing Potentially Exculpatory Information, Case No. ICC-01/04-01/06-1259, 3 April 2008.
46. *Prosecutor v. Brđanin*, Decision, Case No. IT- 99-36-A, 7 December 2004, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/brdanin/tord/en/020215.pdf>>.
47. *Prosecutor v. Lubanga*, Prosecution Submission on Undisclosed Documents Containing Potentially Exculpatory Information, Case No. ICC-01/04-01/06-1248, 28 March 2008, Para. 15.
48. *Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui*, Decision, Case No. ICC 01/04-01/07, 20 June 2008, Available at: <http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/cases/Pages/cases%20index.aspx>.
49. *Prosecutor v. Lubanga*, Prosecution's Application for Authorization to Disclose and Rely on Incriminating Evidence for Which Article 54(3)(e) Restrictions Have Been Lifted, Case No. ICC-01/04-01/06-1129-Conf, 24 January 2008.
50. *Prosecutor v. Krajišnik*, Decision, Case No. IT-00-39 & 40-PT, 19 July 2001, Available at: <<http://www.icty.org/case/krajisnik/4>>.
51. *Prosecutor v. Lubanga*, Prosecution's Updated Information on Documents That Were Obtained by the Office of the Prosecutor from the United Nations Pursuant to Article 54(3)(e) on the Condition of Confidentiality and Solely for the Purpose of Generating New Evidence and That Potentially Contain Evidence That Falls Under Article 67(2), Case No. ICC-01/04-01/06-1387-Conf, 10 June 2008.

52. Prosecutor v. Mrkšić et al., Order Setting a Time-Limit for Disclosure Pursuant to Rule 66(A)(ii), Case No. IT-95-13/1-PT, T. Ch. II, 24 November 2004, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/mrksic/regdec/en/041215e.htm>>.
53. Prosecutor v. Niyitegeka, Appeal Judgement, Case No. ICTR-96-14-A, 9 July 2004, Available at: <https://www1.umn.edu/humanrts/instree/ICTR/NIYITEGEKA_ICTR-96-14/NIYITEGEKA_ICTR-96-14-T.html>.
54. Rowe and Davis v. United Kingdom, Judgment, Case No. 28901/95, 16 February 2000, Available at: <<http://www.law.qub.ac.uk/schools/SchoolofLaw/Research/ResearchProjects/PublicInterestinUKCourts/FileStore/Fileupload,212028,en.pdf>>.
55. Prosecutor v. Milosevic, Order, Case No. IT-02-54-T, 30 November 2004, Available at: <http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp50-e/milosevic.htm>.
56. Brady v. Maryland, 373 U.S. 83, Case No. 490, 13 May 1963, Available at: <<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/373/83/case.html>>.
57. Prosecutor v. Milutinovic et al., Decision, Case No. IT-05-87-AR108bis.2, 12 May 2006, Available at: <http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp45-e/milutinovic.htm>.
58. Chahal v. the UK, Judgment, Case No. 27052/95, 15 November 1996, in: Eckes, Christina, *EU Counter-Terrorist Policies and Fundamental Rights: The Case of Individual Sanctions*, Oxford University Press, 2009.
59. Prosecutor v. Musema, Decision, Case No. ICTR-96-13-A, 18 May 2001, Available at: <<http://sim.law.uu.nl/sim/caselaw/tribunalen.nsf/ae8b14e4f811c6b7c12571b5003803bb/1039fa23d8a29b8ac12571fe004fa37a>>, Accessed on 30 August 2013.
60. Prosecutor v. Blaškić, Decision, Case No. IT-95-14T, 30 January 1998, Available at: <<http://www.icty.org/case/blaskic/4>>.
61. Prosecutor v. Kvočka et al., Decision, Case No. IT-98-30/1-A, 22 March 2004, Available at: <<http://www.icty.org/case/kvočka/4>>.
62. Prosecutor v. Sesay et al., Decision, Case No. SCSL-04-15-T, 9 July 2004, Available at: <https://www.unodc.org/tldb/pdf/International_Jurisprudence/Adhoc_Tribunals/SCSL_Sesay_Kallon_Gbao_Appeal_Judgement.pdf>.
63. Prosecutor v. Krstić, Judgement, Case No. IT-98-33-A, 19 April 2004, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/krs-aj040419e.pdf>>.
64. Prosecutor v. Rutaganda, Decision, Case No. ICTR-96-3-A, 28 June 2002, Available at: <<https://www1.umn.edu/RUTAGANDA/RUTAGANDA ICT-96-3-T.htm>>.
65. Prosecutor v. Rutaganda, Decision, Case No. ICTR-96-3-A, 12 December 2002, Available at: <<https://www1.umn.edu/RUTAGANDA/RUTAGANDA ICT-96-3-T.htm>>.